

پرونده ویژه: فرهنگ عزاداری

علی کیا و عبدالرضا آتشین صدف

پایش سبک، پرونده ویژه این شماره را به بررسی فرهنگ عزاداری و آسیب‌های آن پرداخته است. در این شماره، می‌توان پاسخ سوالهای زیر را یافت. مولف‌های عزاداری صحیح چیست؟ عزاداری از چه آسیب‌هایی رنج می‌برد؟ تحریف در عزاداری بر چند قسم است و چگونه صورت می‌پذیرد؟ مداحی در دوره حاضر با چه معضلات و آسیب‌هایی روبروست؟ بایسته‌های عزاداری از نگاه مقام معظم رهبری چیست؟ خرافه چیست و خرافه‌گرایی کدام است؟ عوامل ایجاد و گسترش خرافه و گرایش مردم به سمت خرافات چه بوده است؟ قمه زنی به عنوان یکی از آسیب‌های عزاداری در دوره معاصر چه سابقه‌ای دارد و از چه جهاتی به تخریب نقش عزاداری می‌پردازد؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیشینه عزاداری در اسلام

عزاداری برای شهدا در اسلام سابقه ای دیرین دارد و از اخبار و گزارش های تاریخی چنین برمی آید که پیامبر (ص) نیز آن را تأیید کرده، در برگزاری آن همت می گماشت. ابن هشام می نویسد بعد از اتمام جنگ احد که رسول خدا (ص) به خانه خود می رفت، عبورش به محله بنی عبدالاشهل و بنی ظفر افتاد و صدای زنان آنها - که بر کشتگان شان گریه می کردند - به گوش آن حضرت خورد و موجب شد که اشک بر صورت ایشان نیز جاری گردد و در پی آن بفرماید: «ولی کسی نیست که بر حمزه بگرید».

سعد بن معاذ و اسید بن حضیر (رؤسای قبیله بنی عبدالاشهل) پس از آگاهی از این موضوع، زمانی که به خانه های خود بازگشتند، به زنان قبیله خود دستور دادند لباس عزا بپوشند و به در مسجد بروند و در آنجا برای حمزه اقامه عزا و ماتم کنند. رسول خدا (ص) صدای گریه آنها را شنید، از خانه خویش (که جنب مسجد بود) بیرون آمده، از آنها سپاسگزاری کرد و فرمود: «به خانه های خود بازگردید، خدایتان رحمت کند که به خوبی موااسات خود را انجام دادید»^۱.

پیامبر در شهادت جعفر طیار نیز هم خود گریست و هم برای عزاداران، که در خانه او گرد آمده بودند، غذا تهیه کرد. هنگامی که پیامبر (ص) رحلت فرمودند مردم مدینه، از زن و مرد، به گریه و ندبه پرداختند^۲. در شهادت علی (علیه السلام) نیز فرزندان آن حضرت و مردم کوفه به شدت می گریستند^۳ و هنگامی که

امام حسن (علیه السلام) به شهادت رسید برادرش محمد حنفیه مرثیه و نوحه سرایی کرد.^۴

باشهادت امام حسین (علیه السلام) و یارانش در محرم سال ۶۱ قمری عزاداری وارد مرحله ای جدید شد و در گسترده ای وسیع تر از جهان اسلام برگزار گردید، با این تفاوت که دیگر تنها گریه و ندبه برای از دست دادن عزیز یا عزیزان نبود، بلکه از یک سو به ابزاری قاطع برای مبارزه با ستمگران و غاصبان تبدیل شد و از سوی دیگر تبیین کننده، حافظ و حامل اسلام راستین گردید. از این رو ائمه طاهرین (علیهم السلام) در اقامه و اشاعه آن از هیچ کوششی دریغ نکردند.



منابع

۱. عبدالملک ابن هشام حمیری، سیره النبویه، ترجمه سید هاشم رسولی، انتشارات کتابفروشی اسلامیه
۲. شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، چاپخانه احمدی، ۱۳۶۸ ش.
۳. ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.

اشکال، شیوه ها و آیین عزاداری در ایران

یکم) پرده خوانی

پرده خوانی، هنری از هنرهای نمایشی عامه است که به نقل واقعه های مذهبی، به ویژه واقعه عاشورا، از روی تصاویر نقاشی شده روی پرده اختصاص دارد. پرده خوانی را «شمایل گردانی»، «پرده داری» و «پرده گردانی» نیز می گویند؛ در پرده خوانی نقلی که پرده خوان نامیده می شود، یا بیانی رسا و آهنگین داستان واقعه های مجالس پرده را شرح می دهد.

پیشینه تاریخی پرده خوانی را می توان به نوعی نقلی همراه با موسیقی و آواز در دوره های پیش از اسلام مربوط دانست که پس از ورود اسلام به ایران، به دلیل محدودیت های موسیقی، به نوعی نقلی ملی - مذهبی تغییر یافته است، به ویژه در زمان صفویه که انواع نقلی مذهبی (روضه خوانی، پرده داری، صورت خوانی و سخنوری) شکل گرفت.^۵ برخی موقعیت تاریخی پرده خوانی را حد فاصل گذار از برگزاری مراسم عزاداری عمومی ماه محرم در دوران صفویه به برگزاری نمایش مذهبی تعزیه در دوران قاجاریه و یکی از منابع تحول و تکامل تعزیه دانسته اند.^۶ برخی دیگر نقوش پرده را ترجمان نمایش تعزیه در قالب هنرهای دیداری و ره آورد تعزیه می دانند.^۷

پرده خوانی در عصر صفوی، با رونق گرفتن نقاشی های پرده، متداول شد و به صورت شمایل نگاری بر روی پرده، دیوار، شیشه و کتاب در آمد. پرده خوانی در عصر قاجار رونق بیشتری یافت و پرده خوانی و شمایل گردانی به مجموعه آیین های مراسم سوگواری افزوده شد که در مکان های متبرکی مانند

۱- سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۱۲۲. ۲- همان، ج ۲، ص ۲۵۲. ۳- همان، ج ۲، ص ۳۶۸. ۴- منتهی الآمال، ص ۲۱۱ و ۲۲۰ و ۲۲۳. ۵- مروج الذهب، ج ۲، ص ۲. ۶- ادبیات نمایشی در ایران، ص ۱۳۵، بازیابی یک تعزیه، ص ۷۳؛ تهران قدیم، ص ۳۳۱. ۷- بازیابی یک تعزیه، ص ۷۱-۶۰. ۸- هنر مقدس صورت خوانی، ص ۶۴؛ ادبیات نمایشی در ایران، ص ۵۴. ۹- پیترسون، ص ۱۱۵؛ هنر مقدس صورت خوانی، ص ۶۴. ۱۰- نمایش در لرستان از آیین تا سال ۱۳۷۰، ص ۴۵.



امام زاده‌ها و زیارتگاه‌ها برپا می‌شد. رفته رفته در تمام ایام سال پرده خوانان در محل تجمع و گذر مردم، مانند میدان‌ها، چهارسوها و سرگذرها، پرده می‌گشودند و پرده خوانی می‌کردند.

ساختار پرده خوانی بر دو رکن پرده و پرده خوان استوار است. پرده پارچه‌ای است که یک یا چند رخداد مصیبت بار خاندان پیامبر (ص) بر آن نقش بسته است. جنس پرده‌ها از «متقال» و «کریاس» و اندازه آنها معمولاً ۵/۱ در ۳ متر است. در ایام سوگواری در مساجد یا مجالس روضه خوانی، پرده‌هایی نصب می‌کردند که وقایع عاشورا را نشان میداد و روضه خوانان گاهی به تصاویر وقایع عاشورا بر روی پرده اشاره می‌کردند. تصاویر مجالس، فشرده و در کنار یکدیگر قرار دارند و از نظر موضوعی کم و بیش به یکدیگر مرتبط هستند. موضوع اصلی این نقش‌ها واقعه کربلا و حوادث پیش و پس از آن بوده، اما رفته رفته داستان‌های اخلاقی پندآموز مانند جوانمرد قصاب و عاق والدین نیز به آنها افزوده شده است. معمولاً به لحاظ قداست عدد ۷۲ ارتباط آن با واقعه کربلا در هر پرده ۷۲ مجلس فرعی و اصلی وجود دارد.^۱

نقش سیمای اولیا بر پرده متفاوت است: پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (علیه السلام) در هاله‌ای از نور یا در نقاب تجلی می‌یابند و برخی فرزندان و یاری کنندگان ایشان بدون هاله نور و نقاب، با رنگ‌های متناسب باورهای مذهبی و زیبا نقش می‌گیرند و غالباً در مرکز پرده قرار دارند. در مقابل، اشقیای بسیار زشت و حتی هیولاگونه ترسیم می‌شوند. اسب‌ها نیز با توجه به شخصیت صاحبانشان نقش می‌گیرند. چهره زنان



کربلا گاهی محو و گاهی زیر پوشش پنهان است. اشخاص و وقایع هر مجلس با چند کلمه و یا جمله‌ای کوتاه روی پرده معرفی شده‌اند.^۲ نقاشان این پرده‌ها با بهره‌گیری از باورهای عامه توسط نقش و رنگ‌ها تضاد میان اولیا و اشقیای را نشان می‌دادند؛ مثلاً رنگ سبز را به نشانه تقدس و رنگ سرخ را به علامت ستمگری به کار می‌بردند و از درختان و حیوانات همچون نمادهایی استفاده می‌کردند.^۳ مراحل کار پرده خوان به ترتیب عبارت است از: پیش واقعه خوانی، مناجات و فضایل خوانی، مناقب خوانی، خطبه خوانی و نقل قصه و حدیث است. در پایان پرده خوان، با لحنی سوزناک، گریزی به صحرای کربلا می‌زند و به نوحه و ندبه می‌پردازد. گرچه پرده خوانان با نیت ثواب بردن و ثواب رساندن و تحریک احساسات مذهبی تماشاگران به پرده خوانی می‌پردازند، لیکن از راه پرده خوانی کسب معاش

نیز می‌کنند. از این رو، در پایان هر مجلس پولی به رسم تبرک از مردم دریافت می‌کنند.^۴

دوم) شمایل نگاری

شمایل نگاری مذهبی در ایران بر اساس مضامین برگرفته از تاریخ مذهبی شیعی از اواخر دوره آل بویه (۳۲۰-۴۴۸ ق) معمول بوده و در دوره صفوی در میان مردم شیعه ایران به طور چشم‌گیری شیوع یافت و به صورت شمایل نگاری روی دیوار و پرده و مصور کردن کتاب نمودار شد.

از آن زمان به بعد سنت نقاشی روی دیوار در میان تصویرگران عامه رواج بیشتری یافت. شمایل‌گران تصاویر قدسیان و معصومان و وقایع مصیبت بار کربلا را روی دیوارهای ایوان، حرم اماکن مقدس، زیارتگاه

۱. هنر مقدس صورت خوانی، ص ۵۶. ۲. تعزیه و موسیقی، ص ۱۹۵. ۳. هنر مقدس صورت خوانی، ص ۵۸. ۴. سبک زندگی، ص ۶۰. ۵. تعزیه و هنرهای مربوط به آن، ص ۱۱۹. تعزیه و موسیقی، ص ۱۹۹. تعزیه در ایران، ص ۲۸. ۶. تعزیه در ایران، ص ۲۸. ۷. هنر مقدس صورت خوانی، ص ۶۰. ۸. از صبا تا نیما، ص ۳۴۴. هنر مقدس صورت خوانی، ص ۶۲.

سقاخانه ها و آب انبارها نقاشی می کردند، اکنون نیز آثار فراوانی از این دسته دیوارنگاره های شمایل سازان دوره صفوی در دیوار رواق ها و ایوان های برخی از امامزادگان و مزارهای شخصیت های دینی - مذهبی پراکنده در شهرها و روستاهای ایران وجود دارد؛ امامزاده زید در اصفهان نمونه برجسته و گویای آن است.

هنگامی که نوحه خوان نوحه سرایی آغاز کند، نوحه گران اغلب به سینه زنی و گاه زنجیرزنی و حتی قمه زنی می پردازند.

از اواخر دوره صفوی به این سو، عزاداری در روز عاشورا و به نمایش در آوردن وقایع روز کربلا صورت جدی تر و واقعی تری یافت. از آن پس شیعیان ایران در دسته های عزاداری عاشورا شبیه هایی از شخصیت های مقدس مذهبی و شهیدان کربلا را در محله ها و گذرگاه ها می گرداندند. هر یک از این شبیه ها، پیاده یا سواره، روی اربه یا چهار چرخه، شرح مصائب شهیدان و اهل بیت امام حسین (علیه السلام) را با سخنانی منظوم می خواندند. رفته رفته شبیه گردانی ها و نمایش ها بر روی وسایل رونده تحول یافت و به صورت نمایش آیینی - مذهبی، شبیه خوانی یا تعزیه خوانی، و میدانی یا صحنه ای در آمد.

سوم) سپاه پوش شدن و حضور در مجالس

در ماه های محرم و صفر عزاداری و سوگواری در تمام شهرهای ایران به اشکال مختلف برگزار می شود.

پوشیدن جامه عزاء که معمولاً سیاه، کبود یا نیلی است، از شایع ترین رفتار در این مدت است. در تمام ایام این دو ماه، مردم در خانه های مسکونی و همچنین تکیه ها و حسینیه های کوچک و بزرگ با برپا کردن چادر به روضه خوانی، برپایی تعزیه، اطعام مساکین و... می پردازند و هر کس به نسبت توان خود به گونه ای در این مراسم و نیز تقبل هزینه های آن شرکت می جوید.

چهارم) روضه خوانی

عمومی کردن سوگواری امام حسین (علیه السلام) که قربانی ستم امویان گردید، به زمانی مربوط می شود که ایرانیان و هواخواهان علی (علیه السلام) برای ستاندن قدرت علیه خلیفه شوریده بودند. معزالدوله دیلمی در سال ۳۵۱ قمری (۹۶۲م) تعزیت را در سطح عمومی برقرار ساخت. ابراز همدردی و شرکت دسته جمعی در نمایش حزن انگیز در سرنوشت حسین (علیه السلام)، جزء لاینفک مراسم سوگواری بود. واژه روضه خوانی و عنوان روضه خوانی در اوایل عصر صفوی پدید آمد و پیش از آن این اصطلاح وجود نداشت. روضه خوانان در عصر صفوی کار مناقب خوانان، مداحان و مرثیه سرایان گذشته را انجام می دادند. از سوی دیگر جای قصه گوینان و مقتل خوانان و حتی واعظان را هم گرفته بودند. از این زمان به بعد وعظ و خطابه و مرثیه سرایی در وجود روضه خوانان جمع شد و آنان با درهم آمیختن نظم و نثر مردم را به گریه وامی داشتند.

پنجم) نوحه

نوحه در لغت به معنی مویه و زنجمره و در اصطلاح ادبی شعری است که در سوگ تازه مرده یا امامان (علیه السلام) بخوانند. مردمی ترین شکل از شعر عاشورا نوحه است. نوحه گونه ای مرثیه است که آهنگی ویژه دارد و شناخته ترین جولانگاه آن آیین های عزاداری، به ویژه مراسم سوگواری امام حسین (علیه السلام)، است. آنکه نوحه می خواند نوحه خوان یا نوحه سرا نام دارد. هنگامی که نوحه خوان نوحه سرایی آغاز کند، نوحه گران اغلب به سینه زنی و گاه زنجیرزنی و حتی قمه زنی می پردازند. خاستگاه یا گسترش نوحه و نوحه خوانی را باید دوره صفویه (۹۰۷-۱۱۴۸ ق) دانست؛ اما تا پیش از دوره قاجاریه (۱۱۹۳-۱۳۴۴ ق) دیوان اشعاری که شامل نوحه های جدی باشد، یافت نمی شود. ارتباط نوحه با موسیقی از روضه بیشتر است؛ زیرا اشعار نوحه که برای سینه زنی سروده می شود دارای ریتم و وزن به خصوصی است که با آهنگ بعضی از گوشه های آواز ایرانی اجرا می گردند و غالباً حالت تصنیف به خود می گیرند. نوحه عامل بسیار بزرگی برای نگهداری و اشاعه موسیقی ملی ما بوده است.^۲ میرزا تقی خان امیرکبیر نیز توجه خاصی بدان معطوف کرد و حتی بعضی از شعرا را وادار نمود که اشعاری برای تعزیه بسرایند.

نوحه و نوحه سرایی در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ ش) از رونق افتاد و در واقع سرکوب شد. سرکوبگری این نوع مراسم، نتیجه مخالفت رضاشاه با برگزاری این نوع آیین ها و مذهب ستیزی او بود.

۱. عاشورا در شعر معاصر و فرهنگ عامه، ص ۲۹۶. ۲. شناسایی موسیقی ایرانی، ص ۲۸.



وی که پیش تر به منظور جلب توجه مردم پیشاپیش دسته های نوحه خوان و عزادار حرکت می کرد و نمایش های دینی به راه می انداخت، با به قدرت رسیدن یا به واسطه تحولی که در او پیدا شد، با نوحه خوانی و راه انداختن دسته های سینه زنی و زنجیرزنی به مخالفت برخاست.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی؛ به ویژه در سال های جنگ ایران و عراق، نوحه و نوحه خوانی دوباره شکوفا شد و بالید. این بار جولانگاه نوحه و نوحه سرایی - جدا از مراسم و آیین های دینی و سوگواری - شب های عملیات جنگی بود. مهم ترین هدف از برگزاری این نوع مراسم، تقویت روحیه جنگی و پالایش روح رزمندگان و ایجاد حس هم دلی با عاشوراییان بود. تعدادی از

نوحه سرایان دو دهه اخیر با عنایت به رسالت خود و تأثیر شگرف نوحه ها در مخاطبان و رویکرد جدی به مفاهیم ارزشی، موجبات تطور محتوایی نوحه های عاشورایی را فراهم آورده اند.

ششم) تابوت واره

شیعیان جهان، به ویژه شیعیان ایران، در مراسم سالگرد شهادت شهیدان دینی خود صندوق آرایه بندی شده ای را در دسته های عزا می گردانند که اگر چه تابوت نیست، اما مظهر و نمادی از تابوت شهید به شمار می آید. این تابوت های نمادین را که از آنها به «تابوت واره» تعبیر می شود، به شکل های گوناگون و شبیه به صندوق گور، ضریح و گنبد و بارگاه

می سازند و در حوزه های جغرافیایی مختلف ایران به نام های نخل، حجله، شیدونه، دغدغه، شش گوشه، نهر علقمه، شط فرات و ... می نامند. برخی از این تابوت واره ها فقط به نواحی خاصی از ایران اختصاص دارد.

هفتم) طشت گردانی

از دیگر مراسم سنتی در بعضی از شهرهای ایران، از جمله اردبیل، «طشت گردانی» است. در این مراسم طشت های آب را در مساجد و حسینیه ها می آورند که نشانه ای از فرات است. از سه روز مانده به محرم در مسجد جامع، مسجد اعظم و سپس در مساجد دیگر طشت هایی را بالای سر می گیرند و مسجد را دور می زنند و سپس داخل آنها آب می ریزند. مردم دست به طشت و آب آن می زنند، که به معنای نوعی بیعت با امام حسین (علیه السلام) و حمایت از حضرت عباس (علیه السلام) است. آب طشت ها را مردم در شیشه هایی برای شفا و تبرک برمی دارند. این سنت از حادثه جوانمردانه آب دادن امام حسین (علیه السلام) به سپاه خَر در روز بیست و هفتم ماه ذی الحجه گرفته شده است که آب مشک ها را در طشت ها ریختند و تمام لشکر خَر و اسبان آنها را سیراب کردند. نشانه ها و مظاهر مثل طشت آب و چند ساقه گیاه که نماد رودخانه و نخلستان است، نشان میدهد که در تعزیه عاشورا استفاده از سمبلها رواج داشته و دارد.

هشتم) حمل عَلم، کُتل، بیرق، پنجه و توغ

برای دسته‌گردانی هر محله عَلم یا علامت مخصوص به خود را داشته است که از علم‌های محله‌های دیگر متمایز بوده و هنگام عزاداری اهل محل به دنبال آن به راه می‌افتادند و سینه‌زنی و نوحه خوانی می‌کردند. عَلم پرچمی است که در مراسم دینی حمل می‌شود و از قطعه‌ای پارچه منقوش به نشانی خاص و یا رنگی خاص که معمولاً به میله‌ای آویخته می‌شود، تشکیل شده است. در گذشته گاهی از پوست به جای پارچه استفاده می‌شد. در فارسی به عَلم نشان هم گفته می‌شود. کلماتی چون بیرق، درفش، پرچم، رایت، لوا، علامت و بند نیز در زبان‌های فارسی عربی و ترکی به همین معنا به کار رفته است. در برخی از متون تاریخی اسلام پیامبر اکرم (ص) «حامل لوا در روز رستاخیز» نامیده شده است.^۱ امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خود را «اهل لوا» نامیده است، که بر اهمیت و احترام پرچم یا عَلم در میان مسلمانان دلالت دارد.^۲

در جنگ‌های صدر اسلام عَلم کاربرد گسترده‌ای داشت. مسلمانان برای برافراشته نگه داشتن و حفظ لوا اهمیت بسیاری قائل بودند. معمولاً برای هر جنگ لوابی مخصوص وجود داشت و به دست کسی سپرده می‌شد که یا فرماندهی بر عهده او بود، یا از دیگران دلاوری بیشتری داشت و یا از فضیلت و برتری ویژه‌ای برخوردار بود.

حمل علم در مراسم دینی محرم از دوران آل بویه در ایران رایج شد و از دوران صفویه مراسم محرم و علم‌کشی رواج بیشتری یافته، رسمی شد و در مراسم



آیینی سینه‌زنی و تعزیه مورد استفاده قرار گرفت. کُتل عَلم بزرگی است که قسمت فوقانی آن را با پیراهن بی‌آستین مائندی می‌پوشانند، همانند تکیه و متکایی که بر چوب نصب شده باشد، و همراه با علامت و بیرق در مراسم عزاداری حرکت می‌دهند. همچنین به علامت و آسبانی که به شکل مخصوصی در روزهای عزا حرکت دهند، علم و کتل می‌گویند. پنجه، پیکره و نقش دست (از مشت تا سر پنجه انگشت) را از مس، برنج، نقره یا طلا می‌سازند و بر روی کاغذ، پارچه و چیزهای دیگر می‌اندازند و نماد قدرت و قداست یا طلسم یا تعویذ دفع شر و بلا به کار می‌برند. در میان مسلمانان پنجه فلزی یا نقش پنجه مظهر قدرت و نمادی از اولیا انگاشته می‌شود. پنجه

فلزی نصب شده بر سر پرچم‌ها، علم‌ها و علامت‌های چندتیغه در دسته‌های عزاداری را عموم شیعیان مظهری از پنج تن آل عبا و یا نشانی از دست بریده حضرت عباس (علیه السلام) می‌دانند.^۳ و مسلمانان جنوب هند آن را نمادی از دست علی (علیه السلام)، فاطمه (علیها السلام) و عباس عَلم دار می‌دانند. هندیان مسلمان پنجه‌ای را در روزهای اول، سوم، یا چهارم محرم، هنگامی که «عاشورخانه‌ها» را می‌آرایند، کنار عَلم می‌گذارند و زیارت می‌کنند. در دیگر کشورهای اسلامی نیز در دسته‌های عزاداری این علامت وجود دارد.^۴

در دربار ناصرالدین‌شاه روز سوم محرم عَلمی به نام عَلم شاه، که بر سر آن پنجه بزرگ از زر ناب ساخته

۱. البنایه و النهایه، ص ۱۵ نخ العلیب، ج ۷، ص ۴۲۳. ۲. بقیه الطالب، ج ۵، ص ۲۲۰. ۳. نخل گردانی، ص ۱۰۰.

۴. ر. ک. جامعه شناسی و مردم شناسی شیعیان افغانستان، ص ۱۳۰۸. برای حسین از زمان ادم تا زمان ما، ص ۳۶۲، ۳۶۳. نخل گردانی، ص ۲۸ و ۲۹.



شده بود، به اندرون می آوردند و زنان دربار در پای آن عزاداری، سینه‌زنی و نوحه خوانی می کردند. سپس گروهی علم شاه را به حرکت درآورده، به تکیه دولت می بردند و مراسم عزاداری و تعزیه خوانی در پای آن اجرا می گردید. جریده های کاشان همه دارای نشانی از دو دست فلزی یا پنج انگشت هستند. این دو دست یا پنجه را بر سر برگ های دو سوی جریده نصب کرده اند و آنها را مظهر دست های از تن جدا شده حضرت عباس (علیه السلام) می دانند. درون جام های برنجی و مسی برخی سقاخانه ها پنجه های فلزی نصب می گردد که نمادی از دو دست سقای کربلا است.

توغ به معنی علم و نشان و از جمله وسایل تزئینی دسته های عزاداری است؛^۱ توغ پایه ای است که بر روی آن یک صندوق و بر روی صندوق، زبانه بلندی قرار دارد؛ شالی نیز بر سر زبانه می بندند و مانند علامات، یک نفر آن را حمل می کند. در گذشته بر سر میله، به جای پرچم، منگوله ای از دم اسب یا پشم و ابریشم می آویختند و برای تعیین مکان گرد آمدن سپاه، از آن استفاده می کردند و گاه پنجه یا گروهه ای زرین یا علامتی سه گوش یا هلال مانند بر سر آن نصب می شد. این توغ را افراد معینی از ساکنان محله ها با آداب و آیین های خاص در شهر به حرکت در می آوردند که حمل آن از امتیازات هر محله محسوب می شد.^۲ مردم عزادار در دسته های سینه‌زنی و زنجیرزنی وارد تکیه شده، به دنبال آن توغ ها با شور و هیجانی خاص، به همراه شیون و ناله حرکت می کردند و توغ ها را به حالت نیمه افراشته نگه می داشتند. این توغ ها در گیلان و مازندران علم خوانده می شود و سر

سر آن (سر توغ) که بر پایه چوبین نصب شده، در روزهایی غیر از ایام محرم در صندوق نگه داری می شود.^۳ امروزه کلمه پاتوغ (پاتوق) به معنای قرارگاه و محلی است که کسی در اوقات معینی به آنجا می رود و معمولاً بخشی از بیکاری خود را در آنجا می گذرانند و پاتوق دار کسی است که در پاتوق سمت پیشوایی دارد. در معنای محدودتر، پاتوق دار کارگردان عزاداری های ماه محرم است که علم و کتل و ملزومات عزاداری را نگه داری می کند و غالباً از معتمدان اهل محل است.^۴

پیشاپیش هر یک از دسته های سوگواری، علاوه بر مقدار زیادی علم، کتل و بیرق، معمولاً علامت هایی نیز حرکت داده می شود و به دنبال آن مردم سوگوار حرکت می کنند و هم صدا با نوحه خوان دم می گیرند و سینه می زنند. هنگام حرکت این گونه دسته های عزاداری عده ای از مردم به ادای نذر خود پرداخته، با چای، نان، شیر، شله زرد و... از عزاداران پذیرایی می کنند و عده ای از افراد در معابر گلاب بر سر افراد عزادار می پاشند. بعد از برگزاری مراسم شام غریبان، سینه‌زنی و زنجیرزنی در کوچه و خیابان موقتاً تا روز اربعین

۱. یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه، ص ۱۰۶. ۲. عزاداری سنتی شیعیان در بیروت، ج ۱، ص ۵۵۹. ۳. این واژه به صورت‌های دیگر نیز تلفظ می‌شود. ۴. لغت نامه دهخدا، ذیل واژه توغ. ۵. محرم و نشانه های نمادین، ص ۱۲. ۶. توغ و پاتوغ، ص ۳۲۸. ۷. همو، ص ۳۲۷. ۸. فرهنگ فارسی علمیه، ذیل پاتوق.



دارد. در ایام عاشورا، به صورت دسته جمعی و در هیئت های عزاداری، همراه با نوحه خوانی زنجیر را بر پشت می زنند و گاهی جای آن کبود یا مجروح می شود؛ این مراسم غالباً با سنج زنی همراه است. این شیوه عزاداری بود و به ویژه در برخی مناطق و ملت ها که تیغ هایی هم به زنجیر می بستند، در نگاه برخی غیرمسلمانان تأثیر سوء داشت. بنابراین برخی علما به حرمت زنجیر زدن و قمه زدن و خون از سر پشت خویش جاری کردن فتوا دادند، در مقابل، علمای دیگری در پاسخ به استفتاهای مردم حکم به جواز این کار دادند.

یازدهم) قمه زنی

از مراسمی است که در بعضی از شهرستان ها و بلاد شیعی توسط برخی از عزاداران امام حسین (علیه السلام) اجرا می شود. این کار در تاسی به مجروح و شهید شدن سید الشهداء (علیه السلام) و شهیدان کربلا و اظهار آمادگی برای خون دادن و سر باختن در راه امام حسین (علیه السلام) انجام می دهند. در این مراسم صبح روز عاشورا افراد با پوشیدن لباس سفید و بلندی همچون کفن، به صورت دسته جمعی، قمه بر سر می زنند تا خون از سر بر صورت و لباس سفید جاری شود. بعضی برای قمه زنی نذر می کنند، همچنین برخی نذری را درباره کودکان خردسال انجام می دهند و بر سر آنان در حدی که از محل آن خون جاری گردد تیغ می زنند. قمه زنی نیز مثل زنجیر زنی و شبیه خوانی از دیرباز مورد اختلاف نظر علما و پیروان و مقلدین آنان بوده است

دسته گردانی، سینه زنی و نوحه خوانی که در زمان صفویه رایج شده و توسعه پیدا کرده بود، در عصر قاجاریه با توسعه و تجمل بیشتر در پایتخت رواج یافت. دسته گردانی در عصر قاجار به ویژه در زمان ناصرالدین شاه با آداب و تشریفات و تجمل بسیار برگزار می شد. دسته های روز با نقاره، موزیک جدید، علم، بیرق، و کتل و دسته های شب با طبل های جراحی زنبوری، حجله، و مشعل به راه می افتادند و در فواصل دسته، سینه زن ها با آهنگ موزون سینه می زدند.

دهم) زنجیر زنی

زنجیر زنی از سنت های عزاداری در ایران است که در پاکستان و هندوستان نیز از دیرباز رواج داشته است. مجموعه ای از حلقه های ریز متصل به هم که به دسته ای چوبی یا فلزی وصل می شود «زنجیر» نام

و نیز روز بیست و هشتم صفر که مصادف با چهلمین روز شهادت امام حسین (علیه السلام) و رحلت پیامبر اکرم (ص) و شهادت امام حسن (علیه السلام) است، تعطیل می گردد؛ اما روضه خوانی تا پایان ماه صفر ادامه دارد.

نهم) سینه زنی

در عزاداری برای سید الشهداء (علیه السلام) و دیگر ائمه مظلوم همراه نوحه خوانی عزاداران بر سر و سینه می زنند که به آن سینه زنی می گویند. به فردی که بر سینه خود زده، عزاداری می کند «سینه زن» می گویند. این سنت در میان عرب ها رواج داشته و بعدها به صورت امروزی در آمده است. این گونه نوحه گری ابتدا به صورت فردی بوده، و با مرور زمان به شکل گروهی و دسته های سوگواری در آمده.

که بر جواز یا عدم جواز آن حکم کرده‌اند.

دوازدهم) شور زدن

شور زدن از اصطلاحات خاص عزاداری و نوحه خوانی است که طی آن وقتی سینه‌زن یا زنجیرزن به اوج احساسات خود می‌رسد، آهنگ حرکات و صداها سریع تر و پرشورتر می‌شود و با کلماتی همچون «حسین حسین...» بر سر و سینه می‌زند. گاهی هم کسانی در این حال غش می‌کنند و از خودبی خود می‌شوند. وقتی دسته‌های سینه‌زن و زنجیرزن به حال «شور» می‌رسند، طبل‌ها و سنج‌ها را با شدت بیشتری به صدا درمی‌آورند. این حالت در عزاداری‌های برخی شهرها رایج‌تر است.



سیزدهم) طبل زنی

طبل نامی عمومی است برای هر یک از سازهای کوبی. این سازها عموماً یک تنه توخالی (معمولاً مخروطی یا استوانه‌ای شکل) دارند و یک یا دو پوست بر یک دهنه یا دو دهنه آن کشیده شده است که با دست یا دست‌های کوچک چوبی نواخته می‌شود. حد و تنوع صدای طبل بستگی به وسعت پوست و مهارت نوازنده دارد. طبل در گذشته برای تحریک روحیه رزمی در میدان‌های جنگ استفاده می‌شد و در کربلا هم طبل جنگ نواخته می‌شد. در تعزیه‌های عاشورا، با نواختن طبل



همه از برگزاری تعزیه خبردار می‌شدند و گرد هم می‌آمدند و شیپور و طبل برای جلب تماشاگر بوده است. در دسته‌های عزاداری نیز همراه سینه‌زنی و زنجیرزنی طبل نواخته می‌شود.

چهاردهم) سنج

سنج دو صفحه گرد از جنس مسی، روی یا برنج است که دستگیره‌ای در قسمت بیرونی دارد. در دسته‌های عزاداری و زنجیرزنی دو صفحه سنج را به هم می‌زنند و با صدا و آهنگ شور آفرین آن به نوحه خوانی می‌پردازند. به این وسیله «سنج» هم گفته می‌شود.



منابع

۱. ابن عدیم، عمر، بقیه الطالب، به کوشش زکار، دمشق، ۱۴۰۹ ق.
۲. ابن کثیر دمشقی، عماد الدین اسماعیل، البدایه و النهایه، ج ۱۱، بیروت، مکتبه العارف، ۱۹۹۷ م.
۳. ارین پور، یحیی، از صبا تا نیما، ج ۱، تهران، نشر زواری، ۱۳۷۲
۴. بلوکشیلانی، علی، نخل گردانی، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۵. بیضایی، بهران، بازیابی یک تعزیه، بررسی کتاب، ۱۳۴۶.
۶. پترسون، ساموئل، تعزیه و هنرهای مربوط به آن در تعزیه: نیایش و نمایش در ایران، گردآورنده پتر چلکوسفکی، ترجمه: داود حاتمی، تهران، انتشارات علمی، فرهنگی، ۱۳۶۷ ش.
۷. حسن بیگی، محمد رضا، تهران قدیم، تهران، ۱۳۶۶ ش.
۸. دایره المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳ ش.
۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۰. ستوده، منوچهر، توغ و پاتوغ، آینده، سال ۱۰، شماره ۴ و ۵، تیر و مرداد، ۱۳۶۳ ش.
۱۱. سیف، هادی، نقاشی قهوه خانه، تهران، ۱۳۶۹ ش.
۱۲. شهرستانی، صالح، عزای حسین از زمان ادم تا زمان ما، تهران، ۱۳۹۳ ق.
۱۳. عنصری، جابر، تعزیه و موسیقی، فصلنامه آهنگ، سال یکم، شماره یکم، پائیز ۱۳۶۷ ش.
۱۴. غریب پور، بهروز، هنر مقدس صورت خوانی پرده خوانی، فصلنامه هنر، دوره جدید، ش ۴، تابستان ۱۳۷۸
۱۵. غریب پور، سیامک، نمایش در لرستان، از آیین تا سال ۱۳۷۰، خرم آباد، ۱۳۷۹ ش.
۱۶. فرهنگ، محمد حسین، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی شیعیان افغانستان، قم، ۱۳۸۰ ش.
۱۷. فقیهی، علی اصغر، تاریخ مذهبی، تاریخ جامع قم، قم، نشر حکمت، بی تا.
۱۸. محمد زاده، مرضیه، عاشورا در شعر معاصر و فرهنگ عامه، تهران، مجتمع فرهنگی عاشورا، ۱۳۸۹ ش.

۱۹. مشحون، حسن، موسیقی مذهبی ایران، سازمان جشن هنر، ۱۳۵۰ ش.
۲۰. معتمدی، حسین، عزاداری سنتی شیعیان در بیروت، علما و حوزه های علمیه و کشورهای جهان، قم، ۱۳۷۸ ش.
۲۱. معیر الممالک، دوستعلی، یادداشتهایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه، تهران، ۱۳۵۱ ش.
۲۲. مقری، احمد، نفخ الطیب، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۹۶۸ م.
۲۳. ملک پور، جمشید، ادبیات نمایشی در ایران، تهران، ۱۳۶۳ ش.
۲۴. میرشکرایی، محمد، محرم و نشانه های نمادین، کتاب ماه هنر، سال ۱، شماره ۱۷، فروردین ۱۳۷۸ ش.
۲۵. نجفی، ابوالحسن، فرهنگ فارسی عامیانه تهران، ۱۳۷۸ ش.
۲۶. همایونی، صادق، تعزیه در ایران، شیراز، نشر نوید، ۱۳۶۸ ش.

آسیب شناسی عزاداری

مجالسی که در تعزیت مصائب آل الله و تکریم اهل بیت (علیهم السلام) برگزار می شود از مغتنم ترین فرصت های تبلیغی و ارشادی جامعه دینی ماست، این مجالس با توجه به پشتوانه اصیل و ریشه دار سنتی می تواند در سطح کلان اثر گذار بوده، به مؤثر ترین تجلی عبادات جمعی و گسترش سنت امر به معروف و نهی از منکر در جهان تشیع تبدیل شود؛ همچنین هر انحرافی در این زمینه نیز به همین میزان حساس و مهم است. از این رو در این بخش سعی داریم به ذکر نمونه هایی از آسیب های موجود در مجالس مختلف عزاداری بپردازیم تا با اصلاح آنها زمینه های تقرب بیشتر به روح معنوی سوگوارهای مذهبی فراهم گردد.

یکم) تحریف لفظی و معنوی

تحریف همواره یکی از آسیب های جدی ای است که مجالس عزاداری را تحت الشعاع خود قرار داده، گاه محتوای اصلی آن را زیر سؤال می برد. گاه این تحریفات در قالب سخنرانی و کتاب بروز می کند و گاه در قالب شعر، تحریف در لغت به معنای تغییر، تبدیل، کنار نهادن، سوق دادن چیزی به سوی دیگر و به عبارت دیگر دگرگون ساختن یک کلمه به صورتی است که معنای متفاوتی از آن ارائه گردد. تحریف معمولاً به دو صورت اتفاق می افتد: تحریف لفظی و تحریف معنوی. مقصود از تحریف لفظی آن است که مطالبی به

عنوان وقایع تاریخی جعل و به جای رخدادهای واقعی عرضه گردد مانند، نسبت دادن گفته های نادرست به اشخاص، افزودن نام افرادی در یک واقعه و اضافه کردن رخداد مهمی که اصلاً اتفاق نیفتاده است؛ برای نمونه شهید مطهری در کتاب «حماسه حسینی» به ذکر پاره ای از این گونه وقایع جعلی در ماجرای کربلا می پردازد؛ داستان هایی مثل عروسی قاسم (علیه السلام)، ۷۲ ساعت بودن روز عاشورا، حضور لیلا، مادر حضرت علی اکبر (علیه السلام)، در کربلا بر شمردن میلیون لشکریان عمر بن سعد و... از جمله تحریفات لفظی واقعه عاشورا به شمار می رود. تحریف معنوی بدین معنا است که بدون تصرف در لفظ و جعل داستان، متن یک واقعه تاریخی به گونه ای تاویل و تفسیر شود که معنا و مقصود اصلی آن واقعه تغییر یابد؛ برای مثال از نظر شهید مطهری استثنایی و منحصر به فرد دانستن قیام امام (علیه السلام) به عنوان یک دستور محرمانه برای شهادت و نیز این مسئله که شهادت امام حسین (علیه السلام)، مانند به صلیب کشیده شدن حضرت مسیح، کفاره گناهان شیعیان قرار گرفته و باعث آمرزش آنها شده است از تحریفات معنوی قیام مقدس عاشورا است؛ باوری که باعث شده تا فتحعلی شاه در رثای امام حسین (علیه السلام) این گونه بسراید که: **بانا فدای خاک رهش صد هزار جان چون کرد جان به امت عاصی فدا حسین** این امر، که از آن به خرافه گرایی در عزاداری نیز یاد می شود، به دلایل متعددی اتفاق می افتد؛ از آن جمله می توان به تمایل بشر به اسطوره سازی، گریختن



عزاداران به هر وسیله ممکن، عدم دانش کافی، نقل از منابع غیر معتبر، و همچنین وارد کردن انحرافات عمدی از سوی مخالفان اسلام اشاره کرد.

مجالسی که در تعزیت مصائب آل الله و تکریم اهل بیت (علیهم السلام) برگزار می شود از مغتنم ترین فرصت های تبلیغی و ارشادی جامعه دینی ماست.

اخیراً کتابی به نام «نقشه ای برای جدایی مکاتب الهی» در آمریکا انتشار یافته که در آن گفت و گوی مفصلی با دکتر مایکل برانت یکی از معاونان سابق سیا، سازمان اطلاعاتی مرکزی آمریکا، انجام شده است. او در این زمینه می گوید بعد از مدت ها تحقیق به این نتیجه رسیدیم که قدرت رهبر مذهبی ایران و استفاده از فرهنگ شهادت در انقلاب ایران تأثیر گذار بوده است و برای تحقیق بیشتر در این خصوص چهل میلیون دلار بودجه برای آن اختصاص دادیم. یکی از مواردی که باید روی آن کار می کردیم موضوع فرهنگ عاشورا و شهادت طلبی بود که هر ساله شیعیان با برگزاری مراسمی این فرهنگ را زنده نگه می دارند. ما تصمیم گرفتیم با حمایت های مالی از برخی سخنرانان و مداحان و برگزار کنندگان اصلی این گونه مراسم، که افراد سودجو و شهرت طلب هستند، عقاید و بنیان های شیعه و فرهنگ شهادت طلبی را سست و متزلزل کنیم و مسائل انحرافی در آن به وجود آوریم، به گونه ای که شیعه یک گروه جاهل و خرافاتی در نظر آید.

امام صادق (علیه السلام) برای جلوگیری از ورود این گونه تحریفات و تعالیم انحرافی در دین ملاک حق و باطل و شناخت تحریف دین از غیر آن را بر عهده علمای دین نهاده و ما را به متابعت از آنان سفارش نموده است: «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرِثَةَ الْأَنْبِيَاءِ وَذَلِكَ أَنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُورِثُوا دِيْنَهُمَا وَ لَا دِيْنَ بَارًا وَ إِنَّمَا أُورِثُوا أَحَادِيثَ مِنْ أَحَادِيثِهِمْ فَمَنْ أَخَذَ بِشَيْءٍ مِنْهَا فَقَدْ أَخَذَ حَظًّا وَافِرًا فَانظُرُوا عَلِمَتِكُمْ هَذَا عَمَّنْ تَأْخُذُونَ فَإِنَّ فِينَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِي كُلِّ خَلْفٍ عُدُولًا يَثْبُتُونَ عَنْهُ تَحْرِيفَ الْعَالِيَيْنِ وَ اتِّخَالَ الْمُبْطِلِينَ وَ تَأْوِيلَ الْجَاهِلِينَ؛ دانشمندان و ارثان پیامبران اند، و این بدان جهت است که پیامبران درهم و دیناری از خود بر جای نمی گذارند؛ بلکه سخنان و احادیثی از خود بر جای می نهند، پس هر کس چیزی از آنها را بگیرد، به بهره فراوان دست یافته است. بنگرید که علم خود را از چه کس می گیرید؟ زیرا که در میان ما اهل بیت (علیه السلام) در هر نسلی مردمان عادلانی هستند که دین را از تحریف علو کنندگان و ساخته های باطل یسندان، و تأویل نادانان می پیرایند».

طبق این حدیث شریف، کسانی که بدون توجه به آموزه های دینی و نیز توصیه های عالمان دین، عزاداری ها را با تحریفات و خرافات می آمیزند و گاه برنامه هایی اجرا می کنند که نه تنها خلاف شرع است، بلکه موجب وهن دین و مذهب می شود، نادانان و گاه دشمنان تشیع هستند و همراهی با آنان نیز در حکم کمک به آنان در وهن دین محسوب می شود.

دوم) شور محوری به جای شعور محوری

روح نوحه محوری و شور محوری و کپرتنگ شدن حضور روحانیان دانشمند در مجالس عزاداری یکی دیگر از آسیب ها در حوزه عزاداری است. درست است که این شور و عشق ها و سینه زنی ها می تواند به تقویت دین بیانجامد، اما سخن این است که اگر این شورها با شعور گره نخورد، ماندگار نخواهد بود. در حالی که اصل و اساس دین، به ویژه مکتب سرخ تشیع، معرفت و محبت مبتنی بر آن است؛ چنان که امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ؛ اول و آغاز دین معرفت او (خداوند) است».

تحریف معنوی بدین معنا است که بدون تصرف در لفظ و جعل داستان، متن یک واقعه تاریخی به گونه ای تأویل و تفسیر شود که معنا و مقصود اصلی آن واقعه تغییر یابد.

به یقین بدون شناخت و معرفت خداوند و ائمه معصومین (علیهم السلام) هیچ عملی ارزش پیدا نمی کند. بنابراین می توان گفت که حضور مؤثر عالمان دینی در مجالس عزاداری، دست کم از دو جهت ثمر بخش است: نخست اینکه آنان می توانند بخشی از وقت مجلس را به بیان معارف و مباحث علمی اختصاص دهند و دوم اینکه می توانند در مقابل هر گونه سخن خلاف و گزاف موضع بگیرند و از این رهگذر در سالم سازی مجالس مؤثر باشند. سکوت دانشمندان و به حاشیه راندن آنها زمینه را برای خرافات و سخنان خلاف شرع هموار می سازد.

سوم) بی توجهی به حق الناس یا مسائل شرعی دیگر دقت در زندگی امامان بزرگوار نشان می دهد که تمام هدف ایشان حفظ دین و ارزش های متعالی آن بوده است. امام حسین (علیه السلام) در وصیتی به محمد حنفیه به این مهم اشاره می نماید: «وَ أَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَ لَا بَطْرًا وَ لَا مُفْسِدًا وَ لَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ بَرَايَ سِرْكَشِي وَ عِدَاوَتِ وَ فِسَادِ كَرْدَنِ وَ ظَلَمِ نَمُودَنِ از مدینه خارج نشدم؛ بلکه به منظور اصلاح در میان امت جدم قیام کردم. من در نظر دارم امر به معروف و نهی از منکر نمایم. من می خواهم مطابق سیره جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام رفتار نمایم».

بنابر این عزاداری هایی که در راستای قیام امام حسین (علیه السلام) نیستند، و در مقابل اهداف آن بزرگوار و مخالف احکام شرع مقدس هستند، حرام بوده، فاقد ارزش هستند. برای نمونه می تواند به ایجاد ترافیک در خیابان ها توسط برخی دسته های عزاداری اشاره کرد. حرکت دسته های عزاداری در خیابان ها و نشان دادن حزن و ماتم در عزاداری های دینی کار پسندیده ای است. این شکوه و عظمت دسته های عزاداری، نشانه پایبندی به اصولی است که امامان ما به خاطر آنها خون خود را نثار نمودند؛ اما باید توجه داشت که در این میان حرکت در خیابان ها مشکلات متعددی برای عبور و مرور سایرین به وجود می آورد. اگر این ترافیک ها به دلیل کثرت جمعیت عزادار



باشد و چاره ای جز آن نباشد، لازم است به گونه ای برنامه ریزی شود که در مکان های پر ترافیک حرکت سریع تر شود تا مزاحمت برای سایرین به حداقل برسد. اگر برخی از دست اندر کاران هیئات دسته های عزاداری را به گونه ای حرکت دهند که منجر به ترافیک شوند و بخواهند عظمت همیشه خاص خود را به رخ دیگران بکشند و نظرها را به سوی همیشه جلب نموده، در مقابل هیئتی دیگر خودنمایی نمایند، به یقین کاری حرام و از دیدگاه شرع مقدس اسلام مردود و انجام داده اند؛ چرا که عزاداری مستحب است و ایجاد مزاحمت عمدی برای مردم حرام.

از موارد دیگر این گونه بی توجهی ها نسبت به مسائل شرعی می تواند به نمونه های زیر اشاره کرد:

- (أ) بی مبالائی در مورد به تأخیر افتادن و یا قضا شدن نماز به سبب انجام مراسم عزاداری؛
- (ب) مزاحمت صوتی توسط بلندگوها، طبل ها و در ساعات آخر شب؛
- (ج) مزاحمت برای عبور و مرور مردم به واسطه برپایی تکایای عزای؛
- (د) استفاده از ابزار و آلات موسیقایی نامتناسب با

- مجالس دینی و عزاداری؛
- (ه) طولانی کردن برنامه های عزاداری و خسته کردن حاضران در مجلس؛
- (و) تجمل گرایی در ابزار و آلات، سفره های نذری و سایر ملزومات بر پایی مجالس عزای؛
- (ز) اختلاط زنان و مردان در مجالس عزاداری؛
- (ح) خشونت گرایی، قمه زنی، ضرر رسانی به بدن و انجام امور غیر عقلایی که موجب مخدوش شدن چهره دین و دینداران در چشم دیگران می شود.

منبع

- مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، قم، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۶۵
- فاطمی، مرتضی، آسیب شناسی عزاداری، انتشارات ائمه (ع)، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵
- هادی منش، ابوالفضل، آسیب شناسی عزاداری عاشورا، نشریه پیام، دی ۱۳۸۸، شماره ۹۷
- عبداللهی، محمد اسماعیل، خرافه گرایی در عزاداری، نشریه پژوهش های اجتماعی اسلامی، مهر و آبان ۱۳۹۰، شماره ۹۰
- فجر، محمد مهدی، آسیب شناسی عزاداری، نشریه میلفان، آذر و دی ۱۳۸۹، شماره ۱۳۵
- حسینی، سید علی اکبر، تحریفات عاشورا، فرهنگ علوم انسانی و اسلامی، (بر گرفته از سایت پژوهشکده باقر العلوم <http://www.pajooh.com>)
- کلینی، محمد، اصول الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴